

سیاست افزایش جمعیت در ایران امروز

نسرین اوشانلو

مقدمه

امروزه رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون، هنجارها و قواعد زندگی روزمره انسان را دگرگون کرده، شیوه‌های نوینی را به فرد و جامعه پیشنهاد می‌کنند، شیوه‌هایی که چندان ارتباطی با ارزش‌ها و مفاهیم بهینه‌ساز و آرمان‌گرای ذهن انسان ندارد. تنوع اشکال رسانه‌ای اگرچه قدرت تصمیم‌گیری و تحلیل بالاتری به ذهن انسان امروزی داده است، اما هجوم فرهنگ مصرف‌گرایی، آسیب‌های برآمده از اختلاط فرهنگی با ارزش‌ها و دغدغه‌های فرهنگ‌های بیگانه، و... آرامش انسان را، حتی در کانون خانواده، برهم زده است. انسان سنتی ارزش‌ها و سیر شکل‌گیری اجتماعی خود را مرهون تکامل شخصیت خویش در آغوش خانواده می‌دانست؛ اما امروزه خانواده چنین جایگاه و نقشی را بازی نمی‌کند؛ چراکه تغییر هنجارها و ارزش‌ها از طریق رسانه و ابزار بودن رسانه در دست طبقه حاکم و دولت انسان‌ها را به موجوداتی منفرد و جداشده از پیشینه ارزشی خود تبدیل کرده است.



پایش
سبک زندگی

۵۸

شماره ۵
دی ۱۳۹۳

رصدنامه تحلیلی، علمی و اطلاع‌رسانی

نرخ رشد جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ روندی کاهشی داشت و از نرخ رشد متوسط سالانه ۱۳٫۳ درصد بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، به ۷۱٫۲ درصد بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ رسید. این آمار در ده سال بعدی، یعنی بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، روندی افزایشی به خود گرفت و به ۹۱٫۳ درصد رسید. نرخ رشد جمعیت در ایران پس از سال ۱۳۶۵ همواره با روندی کاهشی همراه بوده است و از ۵٫۲ درصد در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ به ۲۹٫۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ رسیده است.

مقایسه این سه مقطع به گونه‌ای نشان‌دهنده نوع نگاه خانوارها به شرایط زندگی و آینده است. به نظر می‌رسد که در مقطع میانی (سال‌های ۵۵ تا ۶۵) به‌رغم حوادث پس از پیروزی انقلاب و وقوع جنگ، نوعی نگاه «خوش‌بینانه» خانوارها را تشویق و ترغیب به فرزند دار شدن می‌کرده است. گفتنی است که در مقاطع قبل و بعد از این دوره سیاست کنترل جمعیت و برنامه تنظیم خانواده هم از سوی دولت‌ها اجرایی شده است. ظاهراً آنچه در عرصه عمل اجتماعی تعیین‌کننده نرخ رشد جمعیت از سوی خانوارهاست امید به آینده، بستر مادی، و زندگی جاری آنان است، نه تبلیغات و حتی اقدامات عملی دولت‌ها در این باره. البته روشن است که این بستر از عملکرد کل جامعه، به ویژه سیاست‌های نظری و عملی دولت‌ها، به وجود می‌آید.

از زمانی که در رژیم پهلوی بحث کنترل جمعیت و تنظیم خانواده را با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» مطرح کرد تا به امروز، همواره دو نگاه نسبت به مسئله جمعیت بین کارشناسان و صاحب‌نظران وجود داشته است. الف) نگاهی که افزایش جمعیت و به تبع آن فرزند بیشتر را مشکل‌زا برای اداره کشور نمی‌دانند و افزایش کمی جمعیت را عاملی در جهت افزایش نیروی انسانی جوان و موجب پیشرفت و توسعه می‌داند. ب) دیدگاهی که با نگاهی توسعه‌گرا بر مدیریت جمعیت، انطباق امکانات موجود را با نیازهای جاری مردم در نظر دارد و بر کنترل و تحدید جمعیت اصرار می‌ورزند. این دو نگرش مباحث و چالش‌های بسیاری در نیم قرن گذشته در رابطه با مسئله جمعیت داشته‌اند. بررسی دلایل موافقت و مخالفت آنها با این مسئله می‌تواند در رسیدن به نگاهی واقع‌بینانه در راستای رشد و توسعه همه‌جانبه کشور راهگشا باشد. موافقان افزایش جمعیت بیشتر مسئله ساختار سنی و توزیع و ترکیب جمعیتی را مد نظر دارند و بر اساس آسیب‌های ناشی از تغییرات تدریجی آن در

سال‌های آینده بر موضع خود پافشاری می‌کنند. اظهارات موافقان مسئله افزایش جمعیت مستند به موارد ذیل است:

۱. **جلوگیری از کهن‌سالی جمعیت:** طی دهه اخیر، جمعیت افراد زیر ۱۵ سال به‌طور جدی کاهش و در مقابل تعداد جمعیت جوان و در سن کار افزایش یافته است؛ همچنین سرعت سالخوردگی جمعیت با آهنگی آرام رو به فزونی است. بر اساس سناریوی جمعیتی‌ای که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است، اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد، در ۸۰ سال آینده ۳۱ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت که ۴۷ درصد آن افراد سالمند بالای ۶۰ سال خواهند بود. همچنین میانه سنی جمعیت، که اکنون در حدود ۲۸ سال است، در سال ۱۴۳۰، یعنی کمتر از ۴۰ سال دیگر، به ۴۷ سال خواهد رسید که حدود ۱۰ سال بیشتر از میانه سنی جهان (۳۸ سال) در آن سال خواهد بود. این شرایط موجب خواهد شد که چتر حمایتی دولت در خصوص بیمه بازنشستگی، تأمین اجتماعی و... افزایش یابد. با وجود ۴۷ درصد سالمند بخش عظیمی از قوای اقتصادی کشور صرف تأمین هزینه‌های حمایتی خواهد شد که باری مضاعف برای بخش اقتصادی دولت است.

۲. **جلوگیری از کاهش نیروی کار:** پایین آمدن نرخ رشد و به تبع آن کهن‌سال شدن جمعیت به معنای کاهش نیروی کار فعال و جوان است. ماحصل این اتفاق وارد کردن نیروهای کار، متخصصان و تکنسین‌ها از سایر کشورهای جهان است که موجب گسترش فرهنگ بیگانه و وابستگی به سایر کشورها خواهد بود؛ علاوه بر اینکه باید به خروج ارز و تبعات اقتصادی آن نیز توجه کرد.

۳. **افزایش اختلاف و شکاف نسلی:** داشتن فرزندان کم، به خصوص تک‌فرزندی، ضرورت پایین بودن سن ازدواج و باروری را از بین خواهد برد. بارداری در سنین بالا، گذشته از آنکه خطر بروز انواع ناهنجاری‌های جسمی و روحی را برای فرزندان در پی دارد، اختلاف سنی والدین و فرزندان را افزایش می‌دهد و مشکلات ناشی از اختلاف سنی و گسستگی نسلی را با خود همراه می‌آورد.

۴. **افزایش قدرت ملی:** جمعیت، که در مباحث راهبردی از آن با نام منابع انسانی یاد می‌شود، یکی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های «قدرت ملی» است؛ البته جمعیتی که سرعت رشد آن در حد معمول باشد و با رشدش میزان سلامت، آموزش، تفریح و امید به زندگی نیز افزایش یابد. این افزایش جمعیت منجر به تقویت قدرت ملی خواهد شد؛ در غیر این



صورت معکوس عمل خواهد کرد.

۵. سلامت فرزندان: طبق اظهارات کارشناسان روانشناسی رفتارهای اوتیستیک (در خودماندگی) در تک‌فرزندها شیوع فراوانی دارد. بچه‌های اوتیستیک در حالی که در قسمت‌ها و مسیرهای مربوط به شنوایی، بینایی و تکلم در مغز هیچ مشکلی ندارند، تمایلی به برقراری تماس چشمی ندارند. همچنین این کودکان از نظر گفت‌وگو و حرف زدن و برقراری تعاملات کلامی با تأخیر عمل می‌کنند. تنهایی و تک‌فرزندی در بین کودکان خانواده‌ها شیوع این بیماری و امثال آن را به شدت افزایش خواهد داد.

۶. اجرای درست احکام الهی: برخی کارشناسان دینی و مذهبی معتقدند بسیاری از احکام خدا، از جمله احکام دینی و اخلاقی، با کاهش جمعیت از میان می‌روند؛ برای مثال، جایی برای صلح‌رحم که درباره آن سفارش شده است، باقی نمی‌ماند و یا لذت نشستن با خویشان و اقوام و ارحام از میان می‌رود؛ حال آنکه بالاترین لذت این دنیا که خدا از آن راضی است و برکت زندگی را در آن قرار داده، نشستن و برخاستن با خویشان و اقوام است. مخالفان مسئله افزایش جمعیت غالباً معتقدند جامعه‌ای که اندیشه ازدیاد جمعیت را کنار بگذارد می‌تواند امکانات خود را به تأمین رفاه و مصرف بیشتر و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص دهد. این گروه دلایلی را ارائه می‌کنند که عبارت‌اند از:

۱. مسئله تغذیه و بهداشت: خانواده‌های پرجمعیت مشکلات تغذیه‌ای و بهداشتی بیشتری دارند. در این خانواده‌ها یک نفر نان‌آور است و باید برای چندین نفر غذا و سایر مایحتاج را تهیه کند؛ در نتیجه قدرت خرید کمتری خواهد داشت. در خانواده‌های پرجمعیت امکان رسیدگی به وضعیت تغذیه و بهداشت کمتر است؛ چون مادر باید به‌طور همزمان از چند کودک مراقبت کند. همچنین در خانواده‌های پرجمعیت خطر سوء‌تغذیه انرژی و پروتئین بیشتر است؛ این سوء‌تغذیه ناشی از کمبودهای کمی و کیفی غذاهای مصرفی است. این سوء‌تغذیه گذشته از اینکه به خودی خود حائز اهمیت است، موجب کاهش مقاومت افراد در برابر بیماری‌ها می‌شود؛ در نتیجه فرد با ابتلا به یک بیماری نه‌چندان حاد می‌میرد.

۲. مسکن: امروزه مسئله مسکن از مسائل پیچیده کشورها، از جمله کشور ما، است. بالا رفتن هزینه تأمین مسکن از یک طرف و ازدیاد جمعیت از طرف دیگر، مشکل تهیه مسکن را پیچیده‌تر می‌سازد. با توجه به جمعیت و روند رشد فعلی کشور طی ۲۵ سال آینده، ۴۲ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده خواهد شد. حال اگر متوسط افرادی که در یک خانواده زندگی می‌کنند حدود ۵ نفر فرض شود، رقمی معادل ۴/۸ میلیون خانوار به

خانوارهای فعلی اضافه خواهد شد. برای سکونت این تعداد خانوار ظرف ۲۵ سال آینده، نیاز به ایجاد سالانه نیم میلیون واحد مسکونی (یعنی هر ساعت ۴۰ خانه جدید) است. خاصه اینکه طی دهه اخیر واحدهای مسکونی ساخته شده در کشور به هیچ‌وجه پاسخگوی این افزایش نبوده است و مردم نیز به علت بار هزینه‌های روز‌مره قادر به خرید این واحدهای مسکونی نیستند.

۳. اشتغال: امروزه اشتغال یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی کشور ماست که افزایش بی‌رویه جمعیت به این مشکل اجتماعی دامن می‌زند. در حال حاضر سالانه تعدادی از جویندگان کار وارد بازار کار می‌شوند که با توجه به روند رشد جمعیت فعلی، در آینده‌ای نه‌چندان دور، شاهد آنبوهی از جویندگان کار خواهیم بود. ضمن اینکه درآمد حاصل از فعالیت افراد شاغل باید هزینه زندگی افراد بیشتری را تأمین نماید که در چنین وضعیتی مسئولیت شاغلان بیشتر و کارشان مشکل‌تر و به همان اندازه سرمایه‌گذاری در جامعه سخت‌تر می‌شود.

۴. محیط‌زیست: محیط‌زیست ناسالم علت اصلی مرگ، بیماری و پائین بودن کیفیت زندگی انسان‌هاست. آب، خاک، هوا و جانداران چهار منبع طبیعی مهم و مورد نیاز هستند که تأمین همه نیازهای آدمی به وجود آنها وابسته است. در ایران رشد سریع جمعیت موجب کاهش میزان سرانه آب شده است. فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع، و قطع بی‌رویه درختان به منظور زیر کشت بردن زمین‌ها برای تأمین مواد غذایی و ساخت واحدهای مسکونی از آثار جانبی افزایش شمار انسان‌هاست. همچنین افزایش مصرف

سوخت‌های فسیلی، افزایش مقدار گاز کربنیک در هوا در اثر روند استفاده از وسایل نقلیه و ساخت کارخانه‌های متعدد، و آلودگی هوا شهرها بزرگ می‌تواند از آسیب‌های افزایش جمعیت کشور باشد.

۵. سلامت مادران: مرگ‌ومیر و ابتلا به بیماری در زنانی که زود ازدواج کرده‌اند، زنانی که در سنین کم آبستنی‌های پشت سرهم داشته‌اند، و زنانی که فرزندان زیادی داشته‌اند بیشتر است. بارداری‌ها و زایمان‌های پی‌درپی سلامت مادر و طفل را به خطر می‌اندازد. بُعد بزرگ خانوار، فاصله کوتاه بین آبستنی‌ها، از شیر گرفتن ناگهانی و بی‌موقع کودک، تشویش و فشارهای روحی مادر، عدم سازش در زندگی به دلیل نگرانی زن از حاملگی مجدد، مشکلات ناشی از زایمان، کمبودها و نارسایی‌های عاطفی دوران کودکی، و افسردگی و خستگی والدین از کار و زحمت برای تأمین معاش خانواده عوامل بروز بیماری‌های جسمی و روانی در خانواده‌های پرجمعیت هستند.

۶. گذر از دوره انفجار جمعیت: در جوامعی مانند ایران، که «انفجار جمعیتی» در آنها اتفاق می‌افتد (سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵)، جمعیت با سرعت جوان می‌گردد و جوان بودن جمعیت، نیروی محرکه رشد جمعیت در نسل‌های بعد می‌شود؛ زیرا تعداد افراد جوانان افزایش یافته است که خود موجب تشکیل تعداد بسیار بیشتری خانوار خواهد گردید. به طوری که بین ۲۵ تا ۳۰ سال بعد از سال‌های انفجار جمعیتی، حتی در صورتی که هر دو نفر فقط دو نفر را تولید کنند، دوباره به انفجار جمعیتی ناخواسته خواهیم رسید؛ در نتیجه اتخاذ تدابیری افزایشی برای جمعیت در این سال‌ها انفجار جمعیتی دیگر را رقم خواهد زد. به نظر می‌رسد هر دو گروه به موارد در خورتوجه و ظریفی اشاره می‌کنند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن‌شان برای جمعیت کشور برنامه‌ریزی کرد. از یک سو تغییر در ساختار سنی و ترکیب و توزیع جمعیت در سال‌های آتی و پیش رفتن به سوی کهن‌سالی، مسئله‌ای نیست که بتوان به‌راحتی از آن گذشت؛ چراکه پیامدهای متعدد اقتصادی و اجتماعی‌ای وخیمی به دنبال دارد. مقام معظم رهبری نیز با اشاره به همین موضوع ادامه برنامه‌های کنترل جمعیت و تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ را یکی از خطاهای مسئولان کشور دانستند.

از سوی دیگر وجود زیرساخت‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در زمینه‌های مختلفی همچون بهداشت، آموزش و پرورش، مسکن، و اشتغال قبل از اقدام به عملی کردن سیاست‌های افزایشی جمعیت، ضروری به نظر می‌رسد و این نکته را گوشزد می‌کند

که عمل عجولانه و خالی از دوراندیشی راهگشا نخواهد بود؛ چراکه مزایا و فواید افزایش جمعیت در هر کشوری، از جمله ایران، زمانی به سپهر تأثیرگذاری راه پیدا می‌کند که این جمعیت از سلامت جسمی و روحی، توانایی‌های فکری و بدنی، آموزش‌های مدنی و اخلاقی، و ضروریات اولیه زندگی برخوردار باشد. بیانات رهبری نیز مؤید این مطلب است که کشور باید به نحو معقول و معتدل به سمت افزایش جمعیت گام بردارد.

به نظر می‌رسد در پهنه وسیعی چون ایران، با شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعی، نمی‌توان سیاست‌های یکسانی برای جمعیت اتخاذ کرد. برای مثال شاید بهتر آن باشد که سیاست‌های تنظیم خانواده، با تکیه بر جلوگیری از تولد فرزندان ناخواسته، همچنان در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته، که هنوز از نرخ باروری بالایی دارند، ادامه یابد تا محرومیت‌های موجود تشدید نشود و افزایش جمعیت، جامعه را به سمت مشکلات و کمبودهای بیشتر سوق ندهد.

برای اتخاذ سیاستی مناسب برای افزایش جمعیت باید ابتدا ریشه‌های کم شدن زاد و ولد را کاوید تا در گام اول آنها را اصلاح کرد. از مؤثرترین عوامل در کاهش نرخ باروری می‌توان به افزایش میزان تجرد، بالا رفتن سن ازدواج، ناپایداری خانواده‌ها و بالا رفتن نرخ طلاق اشاره کرد. بنابراین ریشه‌یابی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای تسهیل ازدواج جوانان و کاهش میزان طلاق نه تنها آسیب‌های روانی و اجتماعی را در جامعه کاهش خواهد داد، بلکه از کاهش بیشتر نرخ باروری نیز جلوگیری خواهد کرد.

منابع و مطالعات فرعی

- حسینی، خاتم، گذار جمعیت شناختی، پنجره فرصت، پاداش جمعیتی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ثبت شده در سایت دموگرافی و مرکز آمار ایران.
- شفق، محمود و میرزایی، محمد (۱۳۸۹)، «انتقال سنی در ایران (تحولات جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی جمعیتی)»، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۷۱ و ۷۲، ص ۱-۲۲.
- پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان، <http://mehrkhane.com>
- پایگاه خبری رجانوز، <http://rajanews.com>
- پایگاه اطلاع‌رسانی اخبار گروه‌های پزشکی، <http://www.pezeshk.us>
- باشگاه خبرنگاران، <http://www.yjc.ir>
- پایگاه خبری شرق پارس، <http://www.sharqparsi.com>